

درس نویسی تاریخ معاصر ایران تهیه کننده: دکتر سید حبیب حسینی و لشکلایی

از گروه آموزشی استان مازندران

تحولات اجتماعی در دوره پهلوی دوم

مقدمه

هر چند که دگرگونی قشریندی اجتماعی ایران معاصر از مشروطیت آغاز شد ولی بیشترین تغییر و تحول در ساختار طبقاتی در زمان پهلوی به ویژه در عصر محمدرضا شاه پهلوی انجام گرفت.

شما با بررسی وضعیت و موقعیت قشرها، طبقات جامعه در عصر پهلوی دوم، شرایط نظام اجتماعی، تغییرات و تحولاتی و روابط حاکم بر آن را ارزیابی می نمایید. هم چنین آثار و پیامدهای فعالیت های اقتصادی و پیشرفت های جدید بر ساختار اجتماعی و بررسی شیوه های آموزش بر تعلیم و تربیت این دوره تجزیه و تحلیل می گردد.

جامعه عصر پهلوی دوم

جامعه طبقاتی ایران در دوره ی پهلوی از وضعیت ملوک الطوائفی - کشاورزی به جامعه شهری - صنعتی (بورژوازی) گذر کرد. منابع بزرگ نفت، استقلال هر چه بیشتر حکومت و هیأت حاکمه جامعه را افزود. این دوره جایگزینی تدریجی رابطه سرمایه داری (شهری - صنعتی) به جای رابطه ارباب و رعیتی و حذف طبقه سنتی حاکم معنی زمین داری و تضعیف روحانیت و زمینه سازی برای به وجود آوردن اقشار جدید بود. مالکان بزرگ با پایه ریزی ارتش در زمان رضاشاه و تحکیم و گسترش کارکنان و سازمان ها از ساختار اجتماعی این دوره خارج شدند. قلع و قمع ایلات و عشایر توسط رضاخان، حذف مالکان بزرگ توسط محمدرضا شاه، به جای

مالکان، دیوانیان عالی رتبه، روشنفکران و نیروهای اداری، سیاسی و اقتصادی به دستگاه حکومتی جایگزین گردیدند.^۱

یک توضیح

در ۳۷ سال سلطنت محمدرضا شاه طبقه حاکم سنتی یعنی ملاکین و زمین داران بزرگ، متأثر از دگرگونی اقتصادی و سیاسی ایران و جهان، به ویژه در زمینه صنعت، فناوری و بورژوازی شهری اعم از تجاری، اداری، مالی، صنعتی، انباشت سرمایه و رونق نسبی بازار کار در مراکز صنعتی صحنه فعالیت اقتصادی و تولیدی مالکان بزرگ تنگ تر کرد و آن را آسیب پذیر ساخت. با طرح و اجرای اصلاحات ارضی فروپاشی طبق زمین دار که از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شروع نشده بود به نهایت رسید. به نحوی که قدرت و سلطه سیاسی و اجتماعی خود را کاملاً از دست دادند و بسیاری از آن ها تغییر ماهیت دادند.^۲

ایران در این دوران به دولتی متمرکز و توانمند بدل شد، یک سوم نیروی کار شهرنشین را در استخدام داشت و در آن دوران اقتصاد ایران به ویژه بخش خدمات آن رشد کرد. جمعیت کشور سه برابر گردید. در این میان تعداد شهرنشینان به سرعت افزایش یافت و در نتیجه، با برنامه هایی که از بالا آغاز شد و هدایت می گردید نهادهای اجتماعی، آموزشی و فرهنگی کشور سبک و سیاقی غربی به خود گرفته بودند. این دگرگونی ها باعث تحول اساسی در نظام طبقاتی ایران شد.

ایران در این عصر وارد دورانی شد که از یک طرف در سنت و از طرف دیگر^۳ جدید یا مدرن به

سر می برد.^۱

^۱ ازغندی، سید علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران در عصر پهلوی دوم- تهران ۱۳۸۹- انتشارات سمت- ص ۱۱۷

^۲ ازغندی- تهران ۱۳۸۹- ص ۱۳۰

^۳ اشرف، احمد، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران- ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران ۱۳۸۸- انتشارات نیلوفر- ص ۷۵

بحث و گفتگو

با راهنمایی دبیر در این باره بحث و گفتگو کنید که چه عواملی شرایط اجتماعی و اقتصادی این دوران را از وضعیت سنتی، روستایی به زندگی جدید شهری تغییر داد.

اقشار اجتماعی

توسعه ی اجتماعی- اقتصادی عمدتاً در نتیجه درآمد فزاینده نفتی در این دوره میسر گشت. عایدات نفتی تا سال ۱۳۵۶ سیر صعودی خود را طی کرد. توسعه اجتماعی و اقتصادی در پنج برنامه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۶ به منظور توسعه، مصرف، بهره وری اقتصاد کشور و زیر ساخت های آن نظیر شبکه حمل و نقل، بخش کشاورزی چون اصلاحات ارضی، طرح های کلان آبیاری و صنعت و معدن و منابع انسانی پرداخته شد. (آبراهامیان ص ۳۹۰)^۲

طبقات اجتماعی عمده در عصر پهلوی دوم عبارت بودند از:

۱- اقشار مسلط: که شامل حلقه ی کوچک خانواده های مرتبط با دربار، خانواده سلطنتی، سیاستمداران رده بالا، مقامات دولتی و ارتشی، کارخانه داران جدید. اشراف بازرگانان جدید، که نخبگان متخصص و اداری جدید جایگزین سیاستمداران و زمین داران سنتی و رؤسای ایلات شدند.^۳

۲- طبقه متوسط که به دو طبقه متمایز تقسیم می شدند. یکی طبقه سنتی قبلی که خرده بازار، روحانیون، زمین داران سنتی، تجار مرفه و پیشه وران که مواجه با کاهش قدرت آن ها هستیم.

^۱ رهبری- مهدی- حکومت و جامعه در عصر پهلوی- بابلسر ۱۳۸۹- انتشارات دانشگاه مازندران- ص ۱۵۳
^۲ آبراهیمیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۸۸ تهران. نشر مرکز، ترجمه کاظم فیروزمند و هیئت همراه، ص ۳۹
^۳ اشرف، تهران ۱۳۸۸، ص ۷۵- آبراهامیان، پروانه، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران ۱۳۹۲- نشر نی، ص ۲۴۹

دوم- طبقه متوسط کارمندان یقه سفید و متخصصین و حرفه های تحصیل کرده دانشگاه ها و طبقه روشنفکر حقوق بگیر و تولید کنندگان کوچک و بازرگانان مرفه و کارگران ماهر و نیمه ماهر.^۱

۳- طبقه پایین جامعه که شامل کارگران شهری و ساده، جمعیت روستایی که شامل دهقانان مرفه، پیش کارها و نسق داران اجاره دار، خرده مالکان تنگ دست و روستاییان بدون زمین، کارگران صنایع روستایی و تولیدی های کوچک، چوپانان و کارگران روزمزد.^۲

فعالیت ۱

- ۱- نمودار طبقات اجتماعی عصر پهلوی دوم را تهیه فرمایید.
- ۲- کدام یک از افسار نامبرده نقش محوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران عصر پهلوی ایفا کردند.
- ۳- رونق اقتصادی در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ موجب نابرابری های عمیق تر اقتصادی در بین طبقات و مناطق شد. بررسی کنید.
- ۴- آیا در جامعه عصر پهلوی تحرک اجتماعی و ارتقا طبقات وجود داشته است بحث و استدلال نمایید.

خانواده و جایگاه زنان

تغییرات و دگرگونی های مستمر و متعددی که در ساختار اجتماعی و صنعتی جامعه ایران در بیست سال آخر سلطنت محمدرضا شاه به وقوع پیوست حجم خانوار کوچک شد و دیگر افراد جامعه برای کسب منزلت اجتماعی و مناصب مختلف به خانواده وابسته نیستند.^۳

^۱ آبراهامیان، ۱۳۸۸ تهران ص ۳۶۹- آبراهامیان، تهران ۱۳۹۲- ص ۲۴۹
^۲ آشراف، تهران ۱۳۸۸ ص ۷۶- آبراهامیان، تهران ۱۳۸۸ ص ۲۵۱
^۳ ازغندی، تهران ۱۳۸۹ ص ۹۸

در این دوره برداشت های زن و مرد از مسائل مختلف خانوادگی دگرگون شد. توقعات و نقش های زن و مرد، به ویژه نقش زنان تغییر کرد و به تدریج زنان در خارج از خانه، اختیارات و اقتدار آنان، در حوزه ها و محدوده های زندگی اقتصادی شهر و روستا افزایش پیدا کرد. به نحوی که دیگر زن فقط به عنوان عضو خانواده محسوب نمی شد بلکه خود اداره کننده و نان آور خانواده به خصوص در شهرها به حساب می آمد.^۱

در نتیجه در سال های پس از لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۳۹ و اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ که جامعه شهرنشین ایران ظاهراً رو به سنتی و تجدد می رفت، اغلب زنان ایرانی با برخورداری از امکانات تحصیلی و شغلی و مشارکت در فعالیت های هنری و روزنامه نگاری از شرایط آزادتر و مناسب تری نسبت به زن سنتی برخوردار بودند. در این دوره تعارض بین سنت و مدرنیسم و جلوه های فرهنگی آن روز به روز افزوده شد.^۲

دین و روحانیت

قدرت اجتماعی جامعه ایرانی در مذهب نهفته است و حرکت و جنبش دیگری جدا از ارزش و معایرهای مذهبی نمی تواند در تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی موفق باشد. تلاش محمدرضا در چهارچوب برنامه نوسازی و دگرگونی اجتماعی، محدود کردن اندیشه و فردی کردن آن بود. تناقض در سیاست دینی او دیده می شود از یک سو تظاهر به دینداری و دین مداری برای کسب مشروعیت داشت و از سوی دیگر نیاز به کنترل اندیشه یا ایدئولوژی دینی برای هموار کردن روند توسعه و نوسازی صنعتی و دگرگونی اجتماعی. محمدرضا با

^۱ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۹۹-

^۲ ازغندی- تهران ۱۳۸۹- ص ۱۰۰

تمسک به اسطوره‌ها و الگوهای مقدس و با بهره‌گرفتن از آداب و شعائر مذهبی و ملی تلاش می‌کرد از خود چهره‌ای مورد احترام ارائه دهد.^۱

در دوازده سال اول سلطنت محمدرضا شاه که شرایط نسبتاً قانونی و آزادمنشانه‌ای بر جامعه حاکم بود، دربار و شاه که هنوز جایگاه قدرتمند خود را نیافته بود، تسلیم خواسته‌های شد. دو روحانی برجسته در دو بخش پا به عرصه ظهور گذاردند، در عرصه سیاست آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی و در عرصه مرجعیت و حوزه آیت‌الله طباطبایی بروجردی، در سال‌های نهضت ملی کردن نفت با تعداد بسیار زیادی از روحانیون به طور علنی به نفع دکتر مصدق وارد عمل شدند و در طی کردن نفت نقش مهمی را بازی کردند.^۲

از اواسط دهه ۱۳۳۰ در میان مراجع و روحانیون چهار جناح مشخص تشخیص داده شد: نخست: جناح سنجی که نمایندگان آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید محمد بهبانی بودند. آن‌ها ضمن طرفداری از رژیم پهلوی و قانون اساسی، مخالف سلطه و خودکامگی شاه بودند. برنامه اصلاحات ارضی و آزادی زنان را مغایر شرع می‌دانستند.

دوم: با گرایش ضد استبدادی که نمایندگان مشخص آن آیت‌الله میلانی، آیت‌الله محلاتی و آیت‌الله خوانساری بودند. اینان اجرای اصلاحات اجتماعی را در چهارچوب اصول شرع اسلام تأیید می‌کردند.

سوم: جناح دموکراتیک بودند. آیت‌الله سید رضا زنجانی و آیت‌الله سید محمود طالقانی، مشخص‌ترین نمایندگان این جناح بودند. از مصدق و آرمان‌های او پشتیبانی می‌کردند. برنامه انقلاب سفید را فریب‌کارانه می‌دانستند و با آن مخالف بودند و به مبارزه علیه رژیم ادامه دادند.

^۱ ازغندی - تهران ۱۳۸۹ ص ۱۰۷

^۲ ازغندی؛ تهران ص ۱۳۴

چهارم: جناح انقلابی ضد سلطنت و خواستار ایجاد حکومت اسلامی بودند. رهبری این جناح را آیت الله روح الله خمینی به عهده داشت.^۱

با در گذشت آیت الله بروجردی و بی ثبات شدن به سیاسی جامعه ایران از طرح انجمن های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و تصویب قانون کاپیتولاسیون، بار دیگر مراجع و مجتهدین وارد صحنه سیاسی شدند. شبکه گسترده دینی و تشکیلات سازمان روحانیت در پی افزایش نفوذ مردمی از طریق اتحاد با مسلمانان سایر کشورها با طرح مرجعیت آیت الله خمینی، زمینه ی رهبری دینی- سیاسی وی را در دهه های ۴۰ و ۵۰ فراهم ساخت، امام خمینی با ایجاد شبکه ای از شاگردان پیش خود در داخل و خارج ایران، سازمان روحانیت مبارز را تشکیل داد. در فاصله سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ با شکل گیری حرکت انقلابی، مهم ترین فعالیت سیاسی در این دوران در جهت انجمن ها و جمعیت ها و تشکل های دینی دیده می شود.^۲

فعالیت ۲

رضاشاه ۱- روابط دربار با جامعه روحانیت در سال های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ چگونه بود.

آموزش

۳۷ سال سلطنت محمدرضا شاه در جهت اجرای برنامه های آموزش و پرورش و مبارزه با بی سوادی گام های مؤثر برداشته شد و تعداد مؤسسات آموزشی افزایش یافت. گسترش کمی و سازمانی آموزش عمومی و عالی و بهبودی کیفی تعلیم و تربیت و متناسب کردن آن با احتیاجات کشور پی گیری شد. از سال ۱۳۱۲ دانش آموزانی که دوره ۶ ساله ابتدایی را با

^۱نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب تهران ۱۳۸۴- ناشر مؤسسه خدمات فرهنگی و سیاسی ۲۱۸-۲۱۷)
^۲آفرامزی، فاطمه، دین در ایران عصر پهلوی دوم- زیرنظر دکتر حسین محدثی، تهران ۱۳۹۱، نشر علم ص ۱۶۸

موفقیت گذرانده بودند می توانستند در دبیرستان ها در سه رشته ادبی، ریاضی و طبیعی ادامه تحصیل دهند. و با کارنامه سه ساله دبیرستان متوسطه اول وارد دانشسرای مقدماتی، هنرستان ها و بهیاری شوند و با کارنامه ۶ ساله دبیرستان می توانستند در امتحانات ورودی دانشگاه ها ومدارس عالی شرکت کنند.^۱

یک توضیح (تحولات فرهنگی)

«تفاوت جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی در دوره قاجاریه نسبت به دوره پهلوی کمتر است. در سال های پس از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، جامعه روستایی دستخوش تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی شد و این تحولات بروز فرهنگ روستاییان تأثیر گذاشت و باورهای آن ها را دگرگون کرد. بسط شبکه راه ها و ارتباط کالایی و شخصی روستاییان با شهرها، وارد شدن رادیو و تلویزیون به روستا و آمدن مأموران سپاه های مختلف از جمله سپاه دانش به آبادی ها و مهاجرت جوانان روستایی به شهرها، اعتقادات مذهبی و ارزش های فرهنگی آنان را دگرگون کرد، به نحوی که به تدریج بین فرهنگ روستایی با فرهنگ شهری همگون و سازگاری ایجاد شد. محمدرضا شاه به دلیل انحصاری کردن قدرت و در اختیار داشتن تمام امکانات و ابزارها و عوامل از جمله نخبگان سیاسی، دیوانسالاری، مراکز آموزشی، کارخانجات، نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی، احزاب دولتی و رسانه های گروهی، تأثیر محوری و بنیادی بر فرهنگ مردم داشته و عواملی دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده بود.^۲

^۱ ازغندی- تهران ۱۳۸۹- ص ۲۵

^۲ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۹۴

از سال ۱۳۴۶ تحصیلات عمومی اجباری شد. و وزارت آموزش و پرورش جهت تحقق به اهداف آموزشی موظف به تهیه و چاپ کتاب های درسی شد. در این سال به موجب دو قانون، وزارت فرهنگ به سه وزارتخانه تقسیم شد:

الف) وزارت علوم و آموزش عالی، عهده دار تحقیقات علمی و تحصیلات عالی شد.

ب) وزارت آموزش و پرورش، امور آموزش عمومی را به عهده گرفت.

ج) وزارت فرهنگ و هنر، عهده دار حفظ و توسعه میراث فرهنگی، هنرهای زیبا و کتابخانه ها و موزه ها شد.^۱

در دوره ی محمدرضا پهلوی در اکثر استان های کشور از سال ۱۳۴۶ مراکز آموزش عالی با رشته ها و دانشکده های مختلف تأسیس شدند.

سرمایه گذاری در منابع انسانی در آموزش و پرورش و مدارس جدید و آموزش عالی و تسهیلات بهداشتی و تأسیسات صنعتی غالباً در شهرها قرار داشت.^۲

به منظور مبارزه با بی سوادی و آموزش به بچه ها در روستاها و مناطق دور از شهر و آموزش بزرگسالان در دوره پهلوی دوم کلاس های آموزش عمومی تشکیل شد و از سال ۱۳۴۱ دولت اقدام به تأسیس سپاه دانش کرد. سپاه دانش شامل مسئولان نظام وظیفه ای می شدند که گواهینامه متوسطه کامل داشتند. با همکاری وزارت جنگ آنان برای آموزگاری به روستاها فرستاده می شدند.^۳

به موازات رشد جمعیت و توزیع جغرافیایی آن و پراکندگی صنایع، هزینه های امور اجتماعی نیز افزایش و شرایط بهداشتی و درمانی کشور بهبود یافت.

^۱ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۲۴

^۲ آبراهامیان، تهران ۱۳۸۸، ص ۳۹۴

^۳ ازغندی - تهران ۱۳۸۹ - ص ۲۷

برنامه چهارم عمرانی دولت در سال ۱۳۴۳ به علت توزیع نابرابر خدمات درمانی و بهداشتی در شهر و روستا، که بیش از دو سوم جمعیت کشور از امکانات درمانی محروم شده بود، سپاه بهداشت تأسیس شد. هدف اصلی از این طرح و اجرای برنامه های درمانی و بهداشتی، تأمین بهداشت مطلوب، تغذیه صحیح، جلوگیری از بروز بیماری ها، پیشگیری از مرگ و میر و افزایش میانگین عمر تمامی مردم کشور بود.^۱

فعالیت ۳

جدول ۲.۱. تعداد مدارس در مناطق شهری، روستایی و کل کشور در سطوح مختلف تحصیلی

سال تحصیلی								
۱۳۲۲	۱۳۴۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷
۱۳۲۳	۱۳۴۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸
کودکستانها								
مناطق شهری								
		۴۱۱	۵۲۶	۸۴۹	۱۳۹۳	۱۶۳۵	۱۹۱۲	۲۱۲۸
مناطق روستایی								
		۸	۶۱	۱۳۲	۴۱۱	۷۰۷	۱۰۰۶	۱۳۶۴
کل کشور								
۳۰	۲۵۴	۴۱۹	۶۰۷	۹۸۱	۱۸۰۴	۲۳۴۲	۲۹۱۸	۳۴۹۲
ابتدایی								
مناطق شهری								
		۲۴۱۷	۲۲۷۶	۲۴۷۶	۲۶۶۲	۲۸۵۰	۵۰۹۱	۵۳۲۶
مناطق روستایی								
		۲۳۹۲۰	۲۹۴۵۴	۳۱۳۲۰	۳۲۰۷۴	۳۳۵۱۹	۳۲۵۶۲	۳۴۸۷۱
کل کشور								
۲۳۷۵	۱۸۵۲	۲۸۳۵۷	۳۲۹۳۰	۳۵۷۹۶	۳۶۷۳۸	۳۸۳۶۹	۳۹۶۵۳	۴۰۱۹۷
زاهنمایی تحصیلی								
مناطق شهری								
		۲۲۱۰	۲۶۱۸	۲۶۵۵	۲۷۶۲	۲۸۰۷	۲۹۳۳	۳۰۲۷
مناطق روستایی								
		۹۱۹	۱۰۹۲	۱۲۸۳	۱۵۲۷	۱۸۱۳	۲۲۰۹	۲۶۹۴
کل کشور								
		۳۱۲۹	۳۷۱۰	۳۹۳۸	۴۲۸۹	۴۶۲۰	۵۱۴۲	۵۷۲۱
متوسطه عمومی								
مناطق شهری								
		۱۷۴۱	۱۵۹۷	۱۳۴۰	۱۳۵۷	۱۳۷۲	۱۴۴۷	۱۴۹۸
مناطق روستایی								
		۶۸۴	۶۱۷	۲۳۷	۲۴۴	۳۲۴	۳۷۷	۴۴۸
کل کشور								
۲۸۶	۱۱۸۴	۲۴۲۵	۲۲۱۴	۱۵۷۷	۱۶۰۱	۱۷۱۶	۱۸۲۴	۱۹۴۶

منبع: سالنامه آماری سال ۱۳۴۶؛ ص ۷۸۷. سالنامه آماری سال ۱۳۵۶؛ ص ۲۵۱.

۱- اقدامات انجام شده دولت پهلوی در تاسیس مدارس برای بهبود آموزش و پرورش را بررسی کنید.

۲- توزیع امکانات آموزشی را در شهرها نسبت به روستاها چگونه بود؟

۳- مدارس که در شهرستان در زمان پهلوی تأسیس شدند؟

۴- دانشگاه هایی که در زمان پهلوی تأسیس گردیدند را شناسایی کنید.

نظام شهری

برنامه توسعه رژیم شاه بیشتر در جمعیت شهری اثر گذاشت و توسعه در دو هدف تولید کالاهای مصرفی و تشویق رشد صنایع اساسی واسطه به ویژه نفت گاز و غیره اختصاص یافت.^۱ سیاست های سیاسی- اقتصادی دولت به گسترش سریع شهرهای کوچک و بزرگ و فعالیت شهری انجامید. افزایش درآمدها و مصرف در شهر و زوال کشاورزی و روستانشینی، مهاجرت جمعی روستاییان به شهرها منجر شد.

خدمات در دوره پهلوی دوم در فرایند توسعه شهرها نقش اساسی ایفا نمود. بالا بردن سطح عمومی، سواد و رفاه توده های روستایی با فرستادن مسئولان جوان به سپاه دانش و سپاه بهداشت، سرمایه گذاری در آموزشکده های فنی و مؤسسات عالی و نیز خدمات بیمارستانی و امکانات درمانی از جمله این خدمات بود که ارائه گردید.^۲

^۱ آبراهامیان، تهران ۱۳۸۸، ص ۳۹۴

^۲ کاتوزیان. محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران ۱۳۹۱، نشر مرکز، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی ص ۳۵۵

یک توضیح

«بورژوازی جدید در دوره های پهلوی دوم شامل کارخانه داران جدید و مالکان و بازرگانان بین المللی^۱، بازاریان و کارمندان عالی رتبه جایگزین زمین داران گذشته شدند که مهم ترین منابع اقتصادی جامعه را در تملک داشتند با برخورداری از ثروت و قدرت بیشتر و اعتبار اجتماعی بالا در تعیین تمامی شئون و مقررات جامعه نقش اصلی را بازی می کردند. در سال ۱۳۵۳، ۴۵ خانوار، ۸۵ درصد شرکت هایی را که سود ناخالص آن ها به بیش از ۱۰۰ میلیون می رسید در کنترل داشتند که در سال ۱۳۵۶ شمار این بورژواها به ۱۵۰ خانوار افزایش یافت که ۶۷ درصد تمامی صنایع و مؤسسات را در اختیار داشتند.^۲

به موازات افزایش درآمد نفت، فساد و ریخت و پاشی که با خود به همراه آورد. با این که سرازیر شدن پول نفت سطح زندگی مردم را در مجموع بالا برد.

عدم توزیع عادلانه این درآمد و سوء استفاده کلان کسانی که در کار تجارت با اجرای طرح های عمرانی بودند، طبقه ثروتمند تازه ای در ایران به وجود آورد. شکاف و اختلاف طبقاتی در ایران ابعاد گسترده ای یافت و بدتر از همه، در نتیجه تلاشی که برای صنعتی کردن کشور به کار می رفت، امکان کار در شهرها و جاذبه شهرنشینی به سرعت افزایش یافت و سیل روستاییان به سوی شهرها سرازیر شد.^۳

روشنفکران

سیاست های آموزشی عصر سلطنت رضا شاه که به ایجاد مؤسسات متعهد آموزشی منجر شد، همزمان موجب پیدایش قشر جدید یعنی گروه های مهم اجتماعی گردید. در دوره رضاشاه

^۱ بورژوا: قشر متوسط جامعه، سرمایه داران جدید در عصر پهلوی دوم که شامل صنعتگران بزرگ، بانکداران، صاحبان سرمایه های مالی،

بازرگانان بین المللی پیمانکاران مهندسان مشاور.

^۲ آشفرف، تهران ۱۳۸۸، ص ۱۲۶

^۳ طلوعی، محمود، پدر و پسر (عصر پهلوی)

روشنفکران میدان محدودی برای بروز استعداد‌های خود داشتند. اما بعد از شهریور ۱۳۲۰ روشنفکران در صف مقدم بسیاری از حرکت‌های اعتراض آمیز سیاسی قرار گرفتند. با ایجاد مراکز آموزش عالی از سال ۱۳۴۴ به بعد و تنوع رشته‌های تحصیلی به تعداد تحصیل‌کردگان افزوده شد.^۱

روشنفکر جزء طبقه متوسط حقوق‌بگیر بود که در این دوره خیلی گسترش یافت. روشنفکران شامل نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و استادان دانشگاه می‌باشند. روشنفکران هم چنان به نقش خود در مقام حاملان ناسیونالیسم و سوسیالیسم ادامه دادند. روشنفکران و طبقه کارگر شهری در این دوره پیش از چهار برابر شدند.^۲

روشنفکران در دوران پهلوی به سه گروه تقسیم شدند:

گروه اول: روشنفکران و تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های داخل و اروپایی و آمریکایی که به خدمت دستگاه دیوان سالاری پهلوی بودند. اینها به روشنفکران متجدد معروف بودند که با فرهنگ و تاریخ ایرانی و توده مردم دور افتاده بیگانه شدند.

گروه دوم: روشنفکرانی که به نوعی در مذهب و رسوم سنتی روی آورده که اسلام را به عنوان ایدئولوژی زنده در زندگی و مبارزه بیان می‌کردند. آن‌ها منتقد غربزدگی بودند.

گروه سوم: روشنفکرانی که با انتقاد از نظام سیاسی و سنت‌های متحجرانه مذهبی در فضای فرهنگی جامعه به شیوه‌های مانند شعر، داستان، فیلم و غیره.^۳

^۱ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۱۴۰

^۲ آبراهامیان، تهران ۱۳۹۳، ص ۲۵۱

^۳ رهبری، بابلسر ۱۳۸۹، ص ۲۰۲

بحث و گفتگو

برخورد روشنفکران یا تحصیل کردگان دوره پهلوی با الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه بررسی نماید.

یک توضیح

«برخی از محققان تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران و جامعه شناسان دیدگاه های سیاسی روشنفکران ایرانی را در ۳۷ سال سلطنت محمدرضا شاه، به چهار جریان ملی گرایی، کمونیستی، سوسیالیستی و مذهبی طبقه بندی می کنند. برخی دیگر از آنان دیدگاه های روشنفکران را طی یکصد سال اخیر نسبت به غرب و تجدد به دیدگاه های نوگرایی و غرب گرایی، نسبت گیری و غرب بیشتری، نوسازی خواهی و غربزدگی و سرانجام خواند بیشتر بدون نوگرایی تقسیم می کنند»^۱.

حمل و نقل و ارتباطات

شبکه ارتباطات و حمل و نقل متأثر از تغییرات مستمر غنی و پیشرفت های فناوری است. در ایران برخی از وسایل ارتباطی از جمله پست و تلگراف از سابقه تاریخی برخوردار است. در عین حال سر آغاز جدی و سازمانی ایجاد و گسترش شبکه حمل و نقل و ارتباطات به حدود یک قرن اخیر و بخصوص به روی کار آمدن پهلوی ها بر می گردد. به خصوص در ۱۶ سال سلطنت رضاشاه اقدامات اساسی و مهمی در زمینه ایجاد و گسترش راه ها اعم از راه آهن و راه های شوسه انجام گرفت.

در برنامه عمرانی دولت پهلوی دوم به بخش ارتباطات و حمل و نقل توجه زیادی شد. دولت در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به دلیل اجرای اصلاحات ارضی و ضرورت گسترش بخش های

ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۱۴۲

زیربنایی جامعه، دولت اقداماتی را در این زمینه در الویت قرار داد و به توسعه راه های کشور اعم از راه های زمینی، هوایی و دریایی شتاب بیشتری بخشید. که هدف اولیه و اصلی از شبکه حمل و نقل و ارتباطات، حمل و نقل ارزان قیمت کالاها و جابجا کردن مسافر است.^۱

اشتغال نظامی ایران توسط متفقین و ضرورت شدید استفاده از راه ها، بنادر و فرودگاه های ایران باعث شد که هم نیروهای اشغالگر و هم دولت ایران در مرمت و ایجاد بنادر و فرودگاه ها توجه بیشتری مبذول دارند. در قبل از جنگ جهانی دوم اهمیت بنادر شمالی که بیش از نیمی از صادرات و واردات ایران تا قبل از جنگ جهانی دوم از آن بنادر انجام می گرفت با کاهش بهم اتحاد جماهیر شوروی سابق در تجارت خارجی کاهش پیدا کرد و به همان نسبت اهمیت بنادر خلیج فارس برای انتقال محصولات آمریکا به شوروی سابق افزایش یافت.^۲

پس از جنگ جهانی دوم موقعیت جغرافیایی ایران در سیاست خارجی آمریکا جایگاه ویژه ای پیدا کرد. آمریکایی ها برای تحقق سیاست جلوگیری از نفوذ شوروی سابق در ایران از جنبه انسانی و چه از جنبه کالایی از بنادر جنوب بیشترین استفاده را بردند و اهمیت خلیج فارس برای واردات و صادرات روز به روز افزایش یافت. در برنامه های عمرانی کشور در دوره پهلوی دوم سرمایه گذاری بسیاری برای بهسازی و تأسیس و توسعه بنادر بندرعباس در جنوب و نوشهر و انزلی شد.^۳

جامعه روستایی

در جامعه روستایی ایران معاصر، دهقانان به عنوان مهم ترین گروه اجتماعی روستاها، تولید کننده عمده مایحتاج شهری و روستایی را تشکیل می دهند. گذشته از دهقانان ثروتمند و

^۱ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۴۴

^۲ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۵۰

^۳ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۵۱ و ۵۲

متوسط، اکثر قریب به اتفاق روستاییان را دهقانان کم زمین و کارگران کشاورزی تشکیل می دادند، که زمین آنان غیرکافی، سطح زندگی شان بسیار پایین بودند.

در دوره پهلوی دوم مواجه با افزایش سریع جمعیت شهرها هستیم که ناشی از سیاست های غلط رژیم پهلوی بود که موجبات نابودی روستاها و مهاجرت روستاییان را به شهرهای بزرگ فراهم کرد. وضع زندگی روستاییان در مقایسه با شهرنشینان بسیار نامطلوب بود و روستاییان در دهکده هایی زندگی می کردند که خانه ها آنها از خشت و گل درست شده بود. روستاهای ایران پراکنده ترین حوزه جمعیتی در دنیا بودند. عقب افتادگی، محرومیت و پراکندگی روستاییان ایران به صورت اجتماعات کوچک، محیط زندگی سخت و طاقت فرسایی به وجود آورده بود.^۱

در این دوره تناسب دهقانان و عشایر در کل جمعیت ایران به حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. تجاری شدن کشاورزی، رشد جمعیت، مهاجرت روستاییان به شهر و پیشرفت هایی در زمینه ارتباطات و حمل و نقل به تدریج اجتماعات روستایی را دگرگون ساخت و شرایط کلی دهقانان به صورت مطلق و نسبی فقیرانه باقی ماند.^۲

تغییرات عمده ای که در بین سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ از بخش کشاورزی به صنعت به وجود آمد به قرار زیر است:

نخست: برنامه صنعتی کردن دوران رضا شاه که با شتاب بیشتری تداوم یافت.

دوم: مهاجرت از روستا به شهر که بنیان تحرک اجتماعی جدیدی را فراهم می کرد.

سوم: گسترش سریع دستگاه اداری، لشکری، کشوری در دوران پهلوی، مرتبه طبقه متوسط شهری را بالا برد.

^۱ محمدی، تهران ۱۳۸۹، ص ۸۵

^۲ اشرف، تهران ۱۳۸۸، ص ۱۰۳

چهارم: جایگزینی قشرهای متوسط صنعتی، تجاری و روشنفکران متخصص به جای زمین داران و تجار سنتی بازار و گسترش بخش های صنعتی و خدماتی.^۱

نیروی کار رعیت هر چند که عمده ترین نیروی مولد در شرایط ارباب و رعیتی قبل از اصلاحات ارضی بود، اما کالا بی ارزش بود حتی پس از اجرای اصلاحات ارضی با نفوذ سرمایه و فناوری به روستاها بر تعداد دهقانان فقیر و کارگران بی زمین افزوده شد. سرکوب مالکان بزرگ و خان ها در زمان رضا شاه و پس از اجرای اصلاحات ارضی در زمان سلطنت محمد رضا شاه به وضعیت معیشتی ایلات و دهقانان نه تنها کمک نکرد، در راه تأمین هزینه های زندگی آنان مشکلات فراوانی را به وجود آورد. قبل از اجرای اصلاحات ارضی بخش اصلی نیازهای نقدی و جنسی خانوارهای روستایی را مالک یا مباشران مالک تأمین می کردند. با حذف مالک پای سوداگران به میان دهقانان باز شد. سوداگران شامل سلف خران، نزولخوارن، چوبداران، دکانداران و پیله وران می شدند که جای مالکان را پر کردند.^۲

یک توضیح

نزولخوار به کسی اطلاق می شود که پول خود را به ربح^۳ می دهد و با سودش زندگی می کند. چوبدار: کسی است که احشام دهقانان را اعم از گاو گوسفند به قیمت های ارزان می خرد و در شهر به کشتارگاه ها و غیره می فروشد.

سلف خر کسی است که معمولاً محصولات زراعی و باغی را از دهقانان پیش خرید کرده به بازار عرضه می کند. پیله ور صنایع دستی و محصولات کشاورزی خانوارهای روستای را نقدی و

^۱ اشرف، تهران ۱۳۸۸- ص ۱۱۱-۱۱۰

^۲ آذغندی، تهران ۱۳۸۹- ص ۱۵۰

^۳ ربح به معنی نفع، سود، بهره

عمدتاً جنسی خریداری می کند و هر نوع کالای مورد نیاز طرف معامله را از جمله قند و چای، پارچه، سوزن، نخ و غیره در کوتاه ترین زمان ممکن تأمین و در اختیار وی می گذارد.^۱

فعالیت ۱:

۱- یک روستا در شهر و منطقه خود انتخاب کنید و وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن را در دوره ی پهلوی بررسی کنید.

۲- تحقیق کنید که در دوره ی گذشته شامل چه افرادی از جامعه می شدند.

اصلاحات و رفورم - انقلاب سفید شاه و مردم

رئیس جمهور جوان آمریکا، جان اف. کندی در دیماه ۱۳۳۹ با احساس و تمایلات بشردوستانه قصد داشتبه ملت های فقیر و زیر سلطه ی دیکتاتوری کمک کند. ولی انگیزه او در ایجاد اصلاحات اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورهای جهان سوم در حقیقت مقابله با تهدید کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی بود. سیاست خارجی دولت آمریکا، در قبال کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم، اجرای رفورم از بالا به پایین در جهت پیشگیری از انقلاب قهرآمیز بود. این برنامه تحت عنوان «اتحاد برای پیشرفت» در اسفند ۱۳۳۹ اعلام شد. کندی قصد

داشت این برنامه را نخست در آمریکای لاتین پیاده کند تا از بروز انقلاب جلوگیری نماید.^۲ سقوط دردناک ملک فیصل و نخست وزیر او نوری سعید در بغداد در سال ۱۳۳۸ تجربه ای برای آمریکا در این دوران بود که هر نوع تعللی، توسعه کمونیسم را برای کشورهایی مثل ایران را هموار خواهد ساخت. کندی از تشدید وخامت اوضاع در ایران، برنامه اصلاحات ارضی و رفورم اجتماعی مورد نظر را به دست شخص شاه و با نام انقلاب شاه و ملت به مرحله اجرا در آورد.^۳

^۱ ازغندی، تهران ۱۳۸۹- ص ۱۵۰

^۲ آنجاتی، تهران ۱۳۸۴- ص ۱۳۳

^۳ شهبازی، عبدالله، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران ۱۳۸۳، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، جلد دوم، مؤسسه اطلاعات- ص ۳۱۲

اجرای برنامه انقلاب سفید از لحاظ خارجی، شاه از پشتیبانی سیاسی و کمک های اقتصادی - نظامی آمریکا سود می برد و از لحاظ داخلی می توانست محمدرضا شاه را رهبری مقتدر و روشنفکر به جهانیان معرفی کند. کشاورزان را لاقل برای چند سالی به پشتیبانی او برانگیزد و مالکان با نفوذ را که مانع بزرگی در برابر اقتدار او بودند، از سر راه بردارد. قشرهای متوسط جامعه چون بازاریان، کسبه و به خصوص پیشوایان مذهبی را که در گذشته به صورت یک نیروی سنتی در امور مملکت مداخله می کردند، از صحنه خارج کند.^۱

برنامه انقلاب سفید که روز ششم بهمن ۱۳۴۱ به همه پرسى گذارده شد شامل شش اصل به شرح زیر بود.

(۱) الغای رژیم ارباب رعیتی با تصویب طرح اصلاحات ارضی ایران

(۲) تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل ها در سراسر کشور

(۳) تصویب لایحه قانون فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی

(۴) تصویب لایحه سهام کردن کارگران در منافع کارگاه های تولیدی و صنعتی

(۵) لایحه اصلاحی قانون انتخابات

(۶) لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی و اجباری^۲

اصلاحات ارضی

محور اصلی انقلاب سفید شاه و مردم، اصلاحات ارضی بود. اصلاحات ارضی براساس برنامه ای، به منظور تضعیف فئودال، اعیان، اشراف به اجرا گذاشته شد و عملاً اصطلاحاتی نظیر فئودال و مالک را منسوخ کرده است. اصلاحات ارضی مناطق روستایی کشور را تغییر داد. برنامه های

^۱نجاتی، تهران ۱۳۸۴، ص ۲۰۰

^۲نجاتی، تهران ۱۳۸۴، ص ۲۲۱- طلوعی، محمود، پدر و پسر: ناگفته ها از زندگی و روزگار پهلوی ها، تهران ۱۳۸۲، نشر علم، ص ۷۲۴

توسعه‌ی پنج ساله نیز که در سازمان برنامه‌ی بودجه طراحی شده بود، انقلاب صنعتی کوچکی را به همراه داشت.

جامعه روستایی ایران چه از جنبه انسانی و اخلاقی و چه از جنبه تولیدی و معیشتی^۱ یک جامعه یکپارچه نیست. روستاها و سرمایه آن از جمله زمین و آب در اختیار مالکان بزرگ و رهبران عشایر و یا در انحصار دولت بود. روستاها همزمان با اصلاحات ارضی در بدترین شرایط معیشتی قرار داشتند و زندگی روستاییان در سطح بسیار پایینی قرار داشت. نارسایی‌های بهداشتی، بی‌سوادی، کمبود مسکن، ناکافی بودن درآمد، مرگ و میر زیاد، وجود نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، نبودن فعالیت‌های زراعی موجب بیکاری، مهاجرت و در نهایت تشدید اختلافات طبقاتی شد.^۲

یک توضیح

«قبل از اصلاحات ارضی، سازمان اداری ده به روابط میان افراد روستایی یا به روابط میان ارباب و روستاییان بستگی داشت. کدخدا یا داروغه بالاترین مقام مسول ده بودند. برخی کدخدا را به عنوان نوکر یا مباشر مالک یا ارباب نام می‌برند. هر کدخدا برای اداره امور ده از یک یا چند دستیار معروف به پاکار کمک می‌گرفت که پاکار مسئول اجرای امور ارباب بود. هر ده به تناسب بزرگی و کوچکی و نوع میزان تولید یک یا چند دشت بان داشت که مسئولیت نگهداری دشت و محصول به عهده او بود. در روستاهایی که کمبود آب مواجه بودند، میراب در اداره آبیاری روستا نقش اساسی داشت.

سال ۱۳۳۹ سال اوج قیام مردم پس از سال‌های سکوت بود. با تعطیلی دانشگاه تهران به دلیل تظاهرات دانشجویان در بهمن آن سال به تدریج مبارزات ضد حکومتی از دانشجویان و بازاریان

آبراهامیان، تهران ۱۳۹۲، ص ۲۴۰
آزغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۱۶۸

به معلمان و کارگران کشیده شد. احزاب و تشکل‌ها در صحنه سیاسی حضور یافتند. تقلبات در انتخابات مجلس بیستم بر اغتشاشات سیاسی افزود.^۱

اصلاحات ارضی مهم‌ترین برنامه رفورم اجتماعی بود که در دولت دکتر علی امینی آغاز شد. اصلاحات ارضی، تقسیم زمین بین کشاورزان بود که نخست از روستاهای مراغه، در شمال غربی آذربایجان شروع شد. یک طرح دیکته شده بود. ظاهراً کشاورزان متوسط را به عنوان یک نیروی اجتماعی به حساب می‌آورد. ولی تعداد این گونه کشاورزان یک دهم مجموع کشاورزان ایران بود. به کشاورزان فقیر، قطعات کوچک زمین می‌رسید. کارگران کشاورز که نیروی عمده کشاورزی بودند، امید زمین دار شدن را از دست دادند. بدین ترتیب طولی نکشید که ده‌ها هزار کشاورزی کار و بدون زمین برای کربابی به شهرها روی آوردند.^۲

طرح مسأله اصلاحات ارضی می‌توانست زمینه اجتماعی مناسبی برای بیرون راندن ملاکان از میدان و بهترین محیط برای صدور کالاهای آمریکایی به سوی بازار مصرفی داخلی ایران بود. اهدافی که رژیم از اصلاحات ارضی دنبال می‌کرد، در درجه اول تعمیم مالکیت ارضی‌های زراعی و فروش آن به روستاییان و تلاش در جهت کاهش قدرت سیاسی مالکان بزرگ سنت‌گرا بود. در کنار اهداف سیاسی و اجتماعی با افزایش سطح تولید کشاورزی، افزایش قدرت خرید روستاییان، ایجاد اشتغال در روستا و بکارگیری نیروی کار اضافی به منظور تأمین نیاز صنایع مونتاژ از جمله اهداف اقتصادی رژیم ایران بود که با اصلاحات ارضی تعقیب می‌شد.^۳

اصلاحات ارضی به موجب قانون اصلاحات در ۲۰ دی ۱۳۴۰ در سه مرحله تا پایان سال ۱۳۵۱ به مدت ۱۰ سال به طور سهمی پایان یافت.

^۱ ازغندی- تهران ۱۳۸۹، ص ۱۷۷

^۲ آنجاتی، تهران ۱۳۸۴، ص ۱۸۶

^۳ ازغندی، تهران ۱۳۸۹، ص ۱۸

پرسش های نمونه

- ۱- در نظام اجتماعی عصر پهلوی دوم چه تغییر و تحولاتی ایجاد شد؟
- ۲- سیاست دینی محمدرضا شاه پهلوی چگونه بود؟
- ۳- عوامل مؤثر در رشد و توسعه نظام شهری در عصر پهلوی را بررسی کنید.
- ۴- روشنفکران در عصر پهلوی دوم به چه گروه هایی تقسیم می شدند؟
- ۵- تغییرات عمده ای که در بین سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ از بخش کشاورزی به صنعت به وجود آمد را فهرست کنید.
- ۶- اصول شش گانه برنامه انقلاب سفید شاه و مردم در سال ۱۳۴۱ چه بودند؟
- ۷- اهداف سیاسی و اجتماعی که رژیم شاه از اصلاحات ارضی دنبال می کرد را بیان نمایید.

ذکر منابع

- ۱- ازغندی، سید علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تهران ۱۳۸۹- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
- ۲- اشرف. احمد- طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، تهران ۱۳۸۸، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، انتشارات نیلوفر
- ۳- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، تهران ۱۳۸۸، نشر مرکز، ترجمه کاظم فیروزمند و هیئت همراه
- ۴- آبراهامیان، پروانه، تاریخ ایران مدرن، تهران ۱۳۹۲، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی
- ۵- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب) تهران ۱۳۸۴، ناشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۶- رهبری، مهدی، حکومت و جامعه در عصر پهلوی، بابلسر ۱۳۸۹- انتشارات دانشگاه مازندران.
- ۷- کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران ۱۳۹۱، نشر مرکز، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی.
- ۸- شهبازی، عبدالله، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات حسین فردوس، تهران ۱۳۸۳، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، جلد دوم، مؤسسه اطلاعات.
- ۹- طلوعی، محمود، پدر و پسر، ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی ها، تهران ۱۳۸۲، نشر علم
- ۱۰- فرامرزی، فاطمه، دین در ایران عصر پهلوی دوم، تهران ۱۳۹۱، زیر نظر دکتر حسن محدثی، نشر علم

۱۱- محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، تهران ۱۳۸۹، نشر معارف

